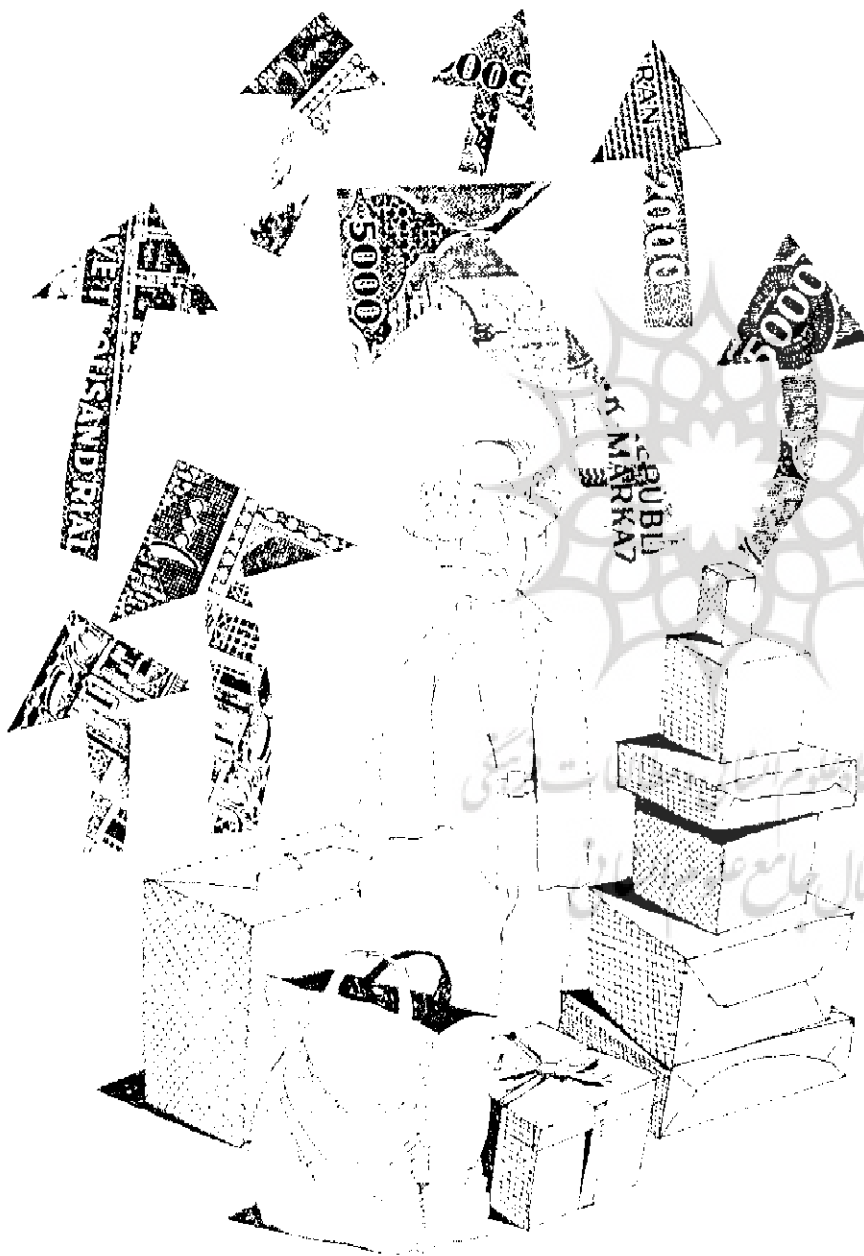


# تعارف نشانه‌ی ادب و احترام، یا تملق و فریبکاری؟!



- اختیار دارید آقا!... قابل شما را ندارد!...

\*\*\*

- بفرمایید خانم، بفرمایید خواهش می‌کنم... این چه فرمایشی است؟... مغازه متعلق به خودتان است!...

\*\*\*

- نخیر... اول شما بفرمایید... ممکن نیست من اول بروم... اصرار نفرمایید که شرمنده می‌شوم...

\*\*\*

- خاک پای شما هستم... آنقدرها هم بی‌ادب نیستیم که حدّ خودمان را نشانسیم... امکان ندارد قبل از شما لب به چیزی بزنم... کوفت و زهرمار بشود آن میوه و شیرینی که آدم قبل از شما بردار و به دهان بگذارد...

\*\*\*

- این بچه‌ها؟!... بله، غلام‌زاده هستند... افتخار نوکری شما را دارند...

\*\*\*

- به جان خودم، به مرگ بچه‌هایم، مرا با دست خود کفن کرده‌اید، اگر قبول نکنید رنجیده می‌شوم... حالا که خوششان آمده پیشکش می‌کنم به شما...

- نه جانم، مبارک خودتان باشد، من فقط گفتم تشنگ است...

\*\*\*

- به مرگ خودم اگر بگذارم دست توی جیب بکنید... گرچه ما قابل نداریم، ولی آخر این مبلغ هم رقم قابل نیست... حالا پس از یک عمر، یک دفعه شانس پیدا کرده‌ایم که با ما تشریف بیاورید و یک ناهار ناقابل میل کنید... مگر می‌گذارم شما حساب کنید؟... حاشا و کلاً... مگر این که شاعرگم را قطع کنید!...

□ □ □

و آن فکر کرده‌اید که اینگونه تعارفات، در طول سالها، دیگر کم‌کم به صورت یک خصیصه عمومی، یک اخلاق اجتماعی زشت و ناخوشایند در آمده است؟ و در بسیاری از موارد به شکل یک عادت نفرت‌انگیز و حتی مزاحم و

صف اتوبوس و صف خرید، در میهناتی‌ها و معاشرتهای دوستانه یا فامیلی، در رستوران و اغذیه‌فروشی، در برخورد با دوست و آشنا، و همسایه، توی خیابان و کوچه، روزی چند بار با اینگونه تعارفات مزاحم می‌شوید؟

### ● تعارفات دروغین، نشانه شخصیت رنگ باخته!

روانشناسان، اینگونه تعارفات را، در هر شکل و صورت آن، امری زشت و ناپسند و نشانه بی از روحیه منززلزل، شخصیت بی ثبات و هویت رنگ باخته و مرعوب انسانی می دانند. آنها می گویند: افرادی که فاقد نیروی اراده و اعتماد به نفس هستند و در خود قدرت و شایستگی کافی برای انجام امور اجتماعی و وظایف شخصی و فردی سراغ ندارند، با اینگونه تعارف کردن ها در واقع برای خود سنگر و پناهگاهی می سازند که پشت آن پنهان شوند و چهره واقعی و پراز ضعف و نقص خود را مخفی سازند و نیز با تکیه دادن به اینگونه تکیه گاههای اوهی و دروغین، از فروغلبیدن و سقوط خود جلوگیری کنند.

بالاخر از این، روانشناسان، افراط و اغراق در تعارفات را، حاکی از خصلت مذموم و بیمارگونه تملق و چاپلوسی می دانند و توضیح می دهند: تعارف، در واقع از یک نوع خلق و خوی طبیعی و خصلت پسندیده انسانی سرچشمه گرفته، ولی در گذر زمان، و در برخورد با روابط اجتماعی غلط، و در تقابل رفتارهای انحرافی، تغییر شکل داده و صورت رفتار و عاداتی انحراف آمیز به خود گرفته است.

### ● شکل افراطی و انحرافی یافته محبت و احترام انسانها به یکدیگر!...

روانشناسان می گویند: انسان ذاتاً موجودی مهرورز، مهرجو و احترام طلب است. می خواهد دیگران را دوست بدارد و خود نیز مورد محبت دیگران قرار گیرد. می خواهد از دیگران احترام ببیند و ناگزیر است خود نیز به دیگران احترام بگذارد.

این خوی و خصلت ذاتی، همیشه در نهاد انسان وجود داشته، اما وقتی که در گسترش زندگی تنگاتنگ اجتماعی و بخصوص در عصر زندگی ماشینی و پیچیدگی روابط انسانها، جلوه بیرونی و اجتماعی پیدا کرده، رفته رفته شکل رفتار و هنجار اجتماعی به خود گرفته، و چون افراد جامعه، این هنجار را نسبت به یکدیگر رعایت کرده اند، دارای قانون و نظام اجتماعی شده و به صورت کنش های متقابل در آمده است.

از این رو خصلت مهرورزی و مهرجویی و احترام خواهی، به عنوان ادب فردی و آداب اجتماعی، نه تنها ناپسند نیست، بلکه مطلوب و دلپذیر نیز هست.

اما همین خصلت فردی و رفتار اجتماعی، در روند تکامل و دگرگونیهای جوامع، رفته رفته به افراط و اغراق آلوده شده و امروزه به صورت «تعارف» در میان جوامع انسانی بروز کرده است، بنابراین «تعارف» شکل افراطی و انحرافی یافته ابراز محبت و احترام انسانها به یکدیگر است.

### ● افرادی که پشت درهای ورودی، مدتها وقت خود و دیگران را به تعارف کردن تلف می کنند و حاضر نمی شوند قبل از دیگران وارد شوند، سرچهارراهها و پشت چراغ قرمزها، حتی یک ثانیه به کسی فرصت نمی دهند!

### ● حاکمیت قدرت های مختلف در جامعه، منجر به رواج «تعارف» شده است!

جامعه شناسان نیز می گویند: بررسی در احوال و تاریخ جوامع مختلف نشان می دهد که «تعارف» به عنوان یک پدیده اجتماعی یا رفتار اجتماعی از

ایجاد و رایج کرده است.

آنها می گویند: بر این اساس، پدیده «تعارف» در تمام جوامع بشری از دیرباز وجود داشته، و امروزه نیز در هر جامعه ای دیده می شود. منتهی بسته به آداب و رسوم، خصلتهای قومی، فرهنگ اجتماعی و عادات و خلق و خوی مردم هر جامعه، شکل های مختلفی از تعارف با شدت و ضعف متفاوت رواج یافته است.

این بررسیها نشان می دهد که پدیده «تعارف» در جوامع شرقی، بویژه جوامعی که طی سالها و قرن ها تحت سلطه قدرت ها زندگی کرده اند، بسیار شدیدتر و انحرافی تر از جوامع دیگر بوده است. به طوری که در بعضی از این جوامع، دیگر نشانی از جنبه خوشامدگویی دلپذیر و ابراز محبت و احترام به دیگران و متقابلاً جلب محبت و احترام دیگران نسبت به خود، در آن باقی نمانده، بلکه یکسره به شکل تملق و چاپلوسی در آمده و غرض از آن، نه جلب محبت، بلکه جلب ترحم

## پدیده تعارف در جوامع شرقی، بخصوص جوامعی که طی سالها و قرن ها تحت سلطه قدرت ها زندگی کرده اند، بسیار شدیدتر و انحرافی تر از جوامع دیگر بوده است!

دیگران است. و اینجاست که تعارف با آن که سرچشمه ای مطلوب و پسندیده داشته، امروزه یک عادت فردی زشت، رفتار اجتماعی مذموم و بیماری ناهنجاری شده است که به جای دلسوزی نسبت به چنین بیماری، نفرت و انزجار نسبت به او پیدا می کنیم.

### ● پشت چراغ قرمز چهارراهها، چراکسی به کسی تعارف نمی کند!

در جامعه ما نیز، متأسفانه «تعارف» در بسیاری از موارد شکل اغراق آمیز، انحرافی و بیمارگونه دارد. دکتر اوحدی، پزشک متخصص اعصاب و روان می گوید: تعارف به صورتی که امروزه در بین مردم می بینیم، یک پدیده کاملاً انحرافی و فاقد اصالت است. این تعارفات هیچگونه اصل و ریشه ای ندارند. گاهی نه تنها تعجب آور، بلکه باورنکردنی و حتی وحشتناک است که می بینیم: همان فردی که دقایق طولانی از وقت خود و دیگران را تلف کرده و صدها کلمه و دهها عبارت تعارف آمیز را به زبان آورده، ناگهان چنان وضع روحی و شخصیت منززل و بدون گذشتی از خود نشان می دهد که در مورد همان مسأله ای که درباره آن آنهمه تعارف کرده، حتی سرسوزنی گذشت و قدمی عقب نشینی نشان نمی دهد.

وی می گوید: بحث از این نیست که دوستان و

زمانی به صورت یک هنجار گروهی، دارای نظام و قانونمندی خاص خود شد که زندگی گروهی و دسته جمعی انسانها، منجر به پیدایش قدرت در جامعه انسانی گردید. این قدرت، اعم از قدرت جمع و گروه، قدرت ریاست قبیله و قدرت حاکمیت و حکومت، قدرت نظامی و قدرت و سرمایه و پول و مقام است، که در روند تکاملی خود، صورت های مختلفی از «تعارف» را نیز

## خیلی از کسانی که با تعارف کردن، دیگران را در محظور اخلاقی قرار می دهند، قصد فریب

### و کلاهبرداری دارند!

● گاهی افراد، در مورد همان مسأله ای که دقایق طولانی تعارف کرده اند، چند دقیقه بعد حتی سرسوزنی گذشت و قدمی عقب نشینی نشان نمی دهند!

## ● فروشندگانی که با مشتریان تعارف می‌کنند و کالاها و مغازه خود را متعلق به مشتری می‌نامند، معمولاً قیمت کالای خود را چندین برابر قیمت واقعی آن دریافت می‌کنند!

آشنایان در مقابل همدیگر زبان به تعارف می‌کشایند. بلکه بسیار دیده‌ایم افراد غریبه‌ی را که مثلاً هنگام ورود به ساختمان یک اداره یا مجتمع و مرکز پر رفت و آمد، پشت در ایستاده و حاضر نشده‌اند قبل از دیگران وارد شوند و دفاعی بسیاری را به تعارف گذرانده‌اند و از فرد بغل دستی خواسته‌اند که او، جلوتر از آنها وارد شود. حتی بارها خود دیده‌ام که دو نفر، جلوی در آسانسور یک محل عمومی، آنقدر ایستاده و به یکدیگر تعارف کرده‌اند که هم راه ورود دیگران به آسانسور را مسدود ساخته‌اند و هم بر اثر معطل کردن خود و دیگران، باعث شده‌اند که زمان توقف اتوماتیک آسانسور تمام شده، و درهایش بسته شده است، و آن وقت تا مردم به خود بیایند آسانسور از آن طبقه رفته است! اما همین افراد، وقتی پشت فرمان اتومبیل می‌نشینند، دیگر ذره‌ی گذشت و تعارف نمی‌کنند. هنگام عبور از چهارراه‌ها و پشت چراغ قرمزها، نه تنها به کسی تعارف نمی‌کنند که جلوتر از آنها عبور کند، بلکه حتی حق دیگران را هم پایمال می‌کنند و با انحراف به چپ و راست راه دیگران را می‌بندند تا خود جلوتر از بقیه، راهی پیدا کنند و جلوتر از همه بروند!

شد!

او می‌گوید: در یکی از نیمه‌شب‌های تابستان سال ۱۳۵۴ که خبرنگار کشیک سرویس حوادث بودم، از کلانتری ۷ (در خیابان تخت جمشید سابق و طالقانی امروز) خبر دادند که پرونده قتل در حال تشکیل است. فوراً خود را به کلانتری رساندم و در اتاق افسر نگهبان چند جوان دستبند به دست را دیدم که یکی از آنها با دست و لباس خون‌آلود نشسته بود. معلوم شد این چند جوان، با جوان دیگری که به قتل رسیده و جسدش به پزشکی قانونی منتقل شده بود، شبانه برای صرف شام و نوشابه الکلی به رستوران هتلی واقع در اطراف میدان فردوسی رفته‌اند. ولی پس از صرف شام، موقع حساب کردن پول نیز، بین آنها

تجربش رفته بودیم و کنار یکی از جگرکی‌ها ایستاده مشغول خوردن شام بودیم. ناگهان متوجه شدم که کنار بساط یک بلال فروش که در چند قدمی ما بود، چند جوان با هم بگو مگو دارند: - به جان تو، اینجا را دیگر نمی‌گذارم تو حساب کنی...  
- ول کن بابا. این حرفها کدام است؟ من و تو ندارم...

- اگر ندارد، پس بگذار من حساب کنم... آخر این که درست نیست، پول شام را تو داده‌ای، حالا می‌خواهی پول بلال را هم تو حساب کنی؟...  
- خوب اشکالش که جاست؟...  
- اشکالش اینجاست که من اجازه نمی‌دهم. و

## ● چگونه تعارف کردن در مورد پرداخت صورتحساب رستوران، باعث شد تا جوانی، دوست خود را به قتل برساند!

### ● فروشنده تعارفی، گران‌تر می‌فروشد!

این پزشک اضافه می‌کند: یا بارها دیده‌ام که یک فروشنده، وقتی کالایی را در بسته پیچیده و به دست مشتری داده، موقع حساب کردن آنقدر به تعارف گذرانده و «قابلی ندارد، مغازه مال خودتان است» گفته که هم وقت دیگر مشتریان را تلف کرده، و هم باعث شده که همان مشتری در محظور اخلاقی بماند و مبلغی بیشتر از ارزش واقعی کالاها را بپردازد. زیرا همین فروشنده تعارفی، بالاخره پس از مدتی تعارف و اتلاف وقت، ناگهان رقمی را به عنوان قیمت کالا گفته که آشکارا بسیار گران بوده است. ولی خریدار بی‌نوا که پس از آنهمه تعارف، دیگر کاملاً در رودربایستی مانده بوده، ناچار شده بدون کمترین اعتراضی، مبلغ گران را بپردازد و با دلی پرخون از مغازه بیرون رود. وی می‌گوید: اینها همه نشان می‌دهد که تعارف در میان ما، به هیچ‌وجه اصالت ندارد. امری موهوم و دروغین است که غالباً برای فریب دادن دیگران به کار می‌رود. و اینها تازه صرفنظر از یک جنبه منفی دیگر «تعارف» است که وقتی در میان یک جمع صورت می‌گیرد، موجب معطلی و ایجاد مزاحمت برای دیگران است.

گرچه همان کاری را می‌کنم که دو سه هفته پیش در هتل «...» اتفاق افتاد...  
- تو؟!... تو سگ کی باشی؟...

لقمه را فرو داده و نداده، اسکناسی روی بساط جگرکی انداختم و دست زن و بچه را گرفتم و دوان دوان از آنجا دور کردم. ولی هنوز چند قدم نرفته، فریاد «آخ سوختم» در فضا پیچید و... یک قتل دیگر، یک پرونده دیگر، و صدور یک حکم اعدام دیگر...

«تعارف» در گرفته و هر کدام می‌خواسته دیگران را کنار بزنند و خودش پول میز را حساب کنند. بالاخره همه کنار می‌روند و دو نفر که بیشتر از بقیه تعارف می‌کرده‌اند باقی می‌مانند. کار تعارف در میان این دو آنقدر بالا می‌گیرد که بالاخره جملاتی مثل «من بمیرم» و «جون مادرت» و «مرگ هر چه مرد است» رفته رفته مبدل می‌شود به «غلط می‌کنی که حساب کنی» و «مگر از روی نعش من عبور کنی» و «شاهرگت را می‌زنم» و... سرانجام، یکی از آنها چاقویی را از روی همان میز غذاخوری رستوران برمی‌دارد و تا دسته توی شکم دیگری فرو می‌کند... و بدین ترتیب، بسیاری تعارف افراطی، به حادثه‌ی خونین و مرگ یک جوان و صدور حکم اعدام برای جوان دیگر منجر شد...

### ● تعارف افراطی، فریب و فریب دهنده است!

پسزومشگران مسایل جامعه‌شناختی و روانشناسی اجتماعی می‌گویند: یکی از بزرگترین مضرات اینگونه تعارفهای افراطی و انحراف آمیز «فریب‌دهندگی» آن است. بدین معنی که: افرادی که بیش از حد و به شکل بیمارگونه تعارف می‌کنند، یا همان موقع قصد فریب دادن شما را دارند، و یا بر اثر تعارفهای آنان شرایطی پیش می‌آید که بعداً می‌توانند براساس آن، شما را فریب دهند.

در این مورد، یکی دیگر از گزارشگران بخش اجتماعی، خاطره‌ی از همین اواخر دارد که روشنگر گوشه‌ی از این مسأله است.  
وی می‌گوید: در دادگاه، شاهد طرح دعوی دو نفر بودم که با هم یک شرکت خدماتی راه انداخته بودند و حالا کارشان به اختلاف و طرح

### ● پول بلال و بلای تعارف!

این گزارشگر می‌افزاید: همان سال، دو سه هفته بعد، با اهل خانه برای هواخوری به سر پل

### ● تعارف‌های افراطی و

رایج در جامعه، نشانه‌ی بی

روحیه متزلزل، شخصیت

بی ثبات و هویت رنگ‌باخته

و مرعوب انسانی است!

### ● قتل به خاطر اصراز در تعارف!

یکی از گزارشگران ما، که خود سالها خبرنگار سرویس حوادث روزنامه‌های معروف تهران بوده است، می‌گوید: من در مورد موضوع «تعارف» در میان مردم خودمان، دو خاطره فراموش نشدنی دارم که هر دو منجر به تشکیل پرونده در دادگاه و منتهی به صدور حکم اعدام

شکایت در دادگاه کشیده بود. معلوم شد که یکی از آن دو، حاصل کار و پس انداز یک عمر و تمام داروندارش را بر اثر تعارفهای فریب آمیز آن دیگری از دست داده است.

وی می گفت: وقتی می خواستیم اساسنامه شرکت را تنظیم کنیم، او آنقدر تعارف کرد که مرا از رو برد. دائماً اصرار می کرد که باید حق امضاء شرکت با من باشد. من هم در رودربایستی ماندم و اصرار کردم که حق امضاء با او باشد و بالاخره هم اساسنامه به همین ترتیب تنظیم شد. موقعی هم که روز بعد، متن نایب شده اساسنامه را آورد، آنقدر تعارف کرد و تملق گفت که من خجالت کشیدم آن متن را بخوانم، و همین طور، چشم بسته زیر تمام صفحات را امضاء کردم. و حالا، پس از یک سال می بینم که از سود شرکت، حتی یک شاهی به من نرسیده، چون او تمام موجودی شرکت را، هر وقت که دلش خواسته برداشت کرده و هر طور خواسته صورت سازی کرده، و در متن اساسنامه هم هیچ حقی برای من منظور نکرده، بلکه در آن روز شوم پرتعارف یک سال پیش، فقط از من نصف سرمایه شرکت و دهها امضاء در زیر ورقه ها گرفته است و بس!

این پرونده نیز گواه صادقی بر فریب آمیز بودن تعارفات رایج در میان مردم ما بود.

### ● کم کاری و کم فروشی با تعارف!

جامعه شناسان می گویند: هر قدر جامعه از روند تکاملی دور تر مانده باشد «تعارفی تر» است. و معمولاً نه تعارف کننده و نه تعارف شونده، هیچکدام از این همه تعارفات عجیب و غریب، طرفی نمی بندند.

آنها می گویند: خیلی ها، در این تعارفات درویی و تقلب می کنند. یعنی وقتی کارشان توأم با گرانفروشی، کم فروشی و کم کاری باشد، برای جبران آن، زبان به تعارف می گشایند. یا وقتی بخواهند به خریدار کالاها و خدمات خود اجفاف کنند و سر آنها کلاه بگذارند، همه چیز را با تعارف برگزار می کنند. بارها دیده شده که کالایی را با تعارفات فروشنده به قیمت مشخص که همه جا همان قیمت را دارد خریده ایم. یا برای انجام کاری، همان مزدی را پرداخته ایم که همه جا رایج است و از این که فروشنده کالا یا ارائه دهنده خدمت، آن همه تعارف و خوشامدگویی می کرده، تعجب کرده ایم. اما وقتی خواسته ایم از آن کالا یا خدمت استفاده کنیم، تازه متوجه شده ایم که تماش ناقص و غیرقابل استفاده است، و تازه فهمیده ایم که آن همه تعارف و تملق، چه دلیلی داشته است!

یک پزشک متخصص ارتوپدی می گوید: متأسفانه همه جا را تعارف پر کرده است. مثلاً می بینم که چند نفر کاندیدای یک پست می شوند، و بعد، عده بی از آنها به نفع عده بی دیگر کنار می روند، و هنگامی که کناره گیری خود را اعلام می کنند، بیاناتشان پر از تعارف نسبت به

همان رقیب است. آیا جز این است که در نظر دارند، بعداً که رقیبشان پیروز شد، از طریق او به جایی و چیزی دست یابند؟

### ● تعارف شاید و لعظیمی!

دکتر محسن سلیمانی، پزشک دیگر می گوید: گاهی توابع زیادی هم نوعی از تعارف است. منتهی تعارف به خویش، که در واقع دست کمی از خودستایی ندارد. وقتی کسی می گوید: «ما که چیزی نیستیم»، منظورش این است که بگوید: «ما، خیلی هم بااهمیت و در کار خود استاد و باارزش هستیم.»

## پدیده انحرافی تعارف، حتی منجر به قتل نیز شده است!

### ● تعارف که از روحیه مهرجو

#### و احترام طلب انسان

#### سرچشمه گرفته،

#### در گذر زمان به راه

#### انحراف رفته و به خصلت

#### مذموم و بیمارگونه تملق و

#### چاپلوسی

#### مبدل شده است!

دامنه این تعارفات به کلاس های درس هم کشیده است. نه فقط شاگرد مدرسه ها، بلکه حتی دانشجویانی که احتمالاً بیرون از دانشگاه برای خود صاحب پست و مقام و موقعیتی هستند، وقتی در زمینه درس خود کم می آورند، دست به دامن تعارف و تملق می شوند.

وی می گفت: متأسفانه، رادیو و تلویزیون هم به نوعی، ترویج دهنده اینگونه تعارفات هستند. مثلاً در برنامه های مختلف مصاحبه و میزگرد، هم گوینده و مصاحبه کننده، و هم مصاحبه شونده، چندین دقیقه از وقت برنامه را به تعارف کردن می گذرانند. و گاهی مصاحبه شونده، آنقدر از مجری و دست اندرکاران برنامه و گردانندگان

### ● از زمانی که قدرت های مختلف اعم از قدرت جمع و گروه، قدرت ریاست قبیله، قدرت حاکمیت و حکومت و قدرت سرمایه و پول و مقام در جوامع انسانی پیدا شد، صورت های مختلفی از تعارف نیز ایجاد و رایج گردید...

رادیو و تلویزیون تشکر می کند و آنقدر از برنامه های آنها تعریف و تمجید به عمل می آورد که انگار می ترسد اگر این تعارف ها را نکنند، میزگرد و مصاحبه او را پخش نکنند.

و بالاخره... در فرهنگ عامه ما، جمله بی هست، که تمام این تعارف ها را به ریشخند می گیرد و بی اساس و بنیان بودن آنها را نشان می دهد. و آن عبارت این است: «تعارف شاید و لعظیمی!» ... هر وقت کسی تعارفات بی اساس و بیهوده می کند، می گویند: تعارف شاید و لعظیمی است. یعنی، هیچگونه صداقت و باوری پشت سرش نیست!

